

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نسرین معروفی
۳ اکتوبر ۲۰۲۳

ارتش سکوتی که به اسارت گرفته شده

طبق معمول صبح امروز همین که پورتال را باز کردم چشمم به شعری از شاعر مبارز زنده یاد "انیس آزاد" افتاد که زیاد تحت تأثیر آن قرار گرفتم. قبل از این که شعر زنده یاد انیس آزاد را از نظر بگذرانم، عنوان مضمونی را که شما در حال حاضر از نظر می گذرانید، قبلاً انتخاب نموده بودم، لذا شعر انیس آزاد انگیزه ای شد تا به نوشتن مضمون شروع کنم.

تا جایی که معلومات دارم، انیس آزاد شاعر مبارزی که آزاده زیست و آزاده با سرودن اشعار حماسه آفرین خود تسلیم دشمنان خلق افغانستان یعنی حزب به اصطلاح «دموکراتیک خلق» نشد. وی در راه مبارزاتی خود استوار زیست و مرگ را به جان خرید. وی در شعر خود که به تاریخ دوم اکتوبر در همین پورتال به نشر سپرده شده بود، می گوید:

«این سکوتی که به اسارت گرفته شده، آخر اینجا که نمرده است کسی»

خوانندگان عزیز!

قبل از پرداختن به اصل موضوع مدنظر باید بگویم: ما امروز هر قدری که از دوران ایثار و خودگذشتگی بزرگ مردان حماسه ساز و زنان آزاده و تسلیم ناپذیر در زمان تجاوز شوروی آنزمان بگوئیم، باز هم کم گفته ایم. به نظر من هر باری که به سراغ اشعار شعرای آنزمان می روم حرف های ناگفته زیادی دارند که بازگو کردن آن برای نسل های آینده به یقین که هزاران درس است.

کشورهای جهان از زمان حاکمیت طالب تا به امروز با وجود اقدامات فاجعه بار حکومت طالبان در حق مردم افغانستان و آنهم به شیوه آشکار و بیشمارانه، با سکوت به تماشای آن نگاه می کنند. دولتهای چپاولگر می بینند و خوب می دانند که چطور شکنجه های روحی و جسمی که از جانب طالب به گونه بیرحمانه در حق خلق افغانستان اعمال می گردد و مردم را با مرگ تدریجی به نابودی سوق می دهد، ولی باز هم دیده می شود که این کشورها به سکوت و خاموشی خود ادامه می دهند.

تحلیل فجایع طالب در تاریخ مدنیت و تمدن قرنهای اخیر دیده نشده و حتی در قرون وسطی از آن کمتر دیده شده است. اگر ما به جهان به اصطلاح متمدن غرب و شرق، جنوب و شمال نظر بیندازیم، می بینیم که اکثر آنها از حقوق زنان که در سر لوحه قوانین دموکراتیک آنها نوشته شده است، بگذریم، هر روز در رسانه ها از حقوق و آزادی انسان صحبت می کنند و در قوانین خود این که حیثیت و کرامت انسانی مقدس و غیر قابل تعرض است،

صفحات کتاب را پر کرده اند. ولی همه این دولتها بدون استثناء در مقابل جنایات طالب که در حق انسانهای بی سلاح اعمال می گردد، سکوت اختیار نموده و از هیچ نوع روابط دوستانه با آنها، دعوت به دور میز مذاکره و کمک های مادی و معنوی دریغ نکرده و نمی کنند. مثلی که خداوند شان از هفتم آسمان قبیله ای را به روی زمین نازل و جا به جا کرده که هیچ یک از کشور ها نه تنها جرأت و شهامت انتقاد از آنها را نداشته باشند، بلکه سر تعظم به درگاه مشتی متحجر و بی خرد و نادان خم کنند. لذا به همین دلیل است که طالبان دیگر لزومی به پنهان کاری نیز نمی بینند و با اطمینان کامل که به آنها داده شده است، آزادانه و با بی شرمی از فجایعی که در حق مردم افغانستان مرتکب می شوند، به صراحت کلام دفاع هم می کنند.

دولت های جنایتگستر و منفعت جوی غربی به شمول روسیه و چین و دیگر سک و سوگوری که هستند، با وجود آشکاربودن تمام حقایق ضد انسانی که بالای مردم افغانستان می گذرد، به نظر می رسد که میان این دولتها پافشاری زیادی برای نادیده گرفتن جرایم ضد بشری این گروه دستنشانده و اشغالگر وجود دارد. این کشورها با وجود این همه جنایات در صدد هستند تا به شکلی از اشکال چه از طریق فرستادن سفیر خود به افغانستان و چه هم از طریق حمایت های مادی و معنوی خود به حاکمیت ملاسالار مشروعیت بدهند.

خوانندگان عزیز، به یقین که همه دولتهائی که تجارب چندین قرن از تجاوزات، مداخلات و استقرارحاکمیت های دست نشانده را دارند، این را خوب می دانند که هیچ چیزی مثل فقر و گرسنگی، بدبختی و ناتوانی و توهین و اهانت انسان را به سکوت وا نمی دارد. امروز خلق افغانستان مورد توهین و تحقیر و اهانت تمام کشور هائی که در مقابل جنایات طالب سکوت اختیار کردند، قرار گرفته اند.

خلقی که در طول تاریخ با افتخار خود در مقابل متجاوزان و حاکمیت های جباران جان و مال و زندگی خود گذشته اند، آیا مردم با شهامت افغانستان تا کی می توانند سکوت اختیار کنند؟ مردمی که در سرزمین حماسه آفرین خود نه تنها عشق به وطن و دفاع از آن را آموخته اند بلکه انسانیت را پیشه گرفته و با وجود توطئه های دشمنان خود قادر شدند تا به امروز در گلستان اقوام در کنار همدیگر زندگانی نمایند.

به گفته شاعر مبارز «انیس آزاد» سکوتی که به اسارت گرفته شده، آخراینجا که نمرده است کسی، جاده ها را پر خواهند کرد. پس ما را ایمان بر آن است که پشت پرده این سکوت که به اسارت گرفته شده، طغیان است و مبارزه، چون می دانیم که علاقه ای در دنیا شدیدتر از عشق به وطن و آزادی نیست. مردم افغانستان قادر خواهند شد تا سرزمین و مردم خود را از باتلاق مهیب و مرگباری که امپریالیست های شرقی و غربی که یکی می خواهد تا تسلیحاتش را به فروش برساند و از طالب به حیث نیرو های گسترش تروریسم استفاده کند و دیگر می خواهد منابع عظیم طبیعی آن را با بستن قرار داد هائی که اصلاً مشروعیت ندارد، به تاراج ببرد و سومی شاید با تبلیغ و برقراری ایدئولوژی کهنه و پوسیده، در عین حال مانع سواد و فهم و دانائی، توسعه و پیشرفت، قدرت و وحدت و همبستگی مردم ما شود.

نا گفته نماند که تجارب بیشتر از چهل و دو سال به ما نشان داد که مزدوری برای قدرت های استعماری و سرویس های جاسوسی آنها توسط دولتهای دست نشانده کابل، کشور ما را به قلعه تروریسم کاخ سفید تبدیل کرده است و مردم را به دام آنها اسیر. پس بهتر است که ما باید به فردا بیندیشیم چون گذشته قابل اصلاح نیست. مگر جنایات شان را هرگز از یاد نخواهیم برد.